

نَهْم

این اراده‌ها و مجاهدت‌هاست
که يك روزی را از میان روزهای دیگر برمی‌کشد
و مثل يك پرچمی نگه‌می‌دارد تا راهنمای دیگران باشد.
روز نهم دي هم از همین قبیل است.
این مردمنده که ناگهان با يك حرکت
روز نهم دی را هم متمایز می‌کنند.



۱۳۸۸ / ۱۰ / ۱۹





می‌ترسد؟ خدا که از پدر و مادر مهربان‌تر است، مگر ترس دارد که به خاطر ترس از او به درگاهش تضرع و زاری داشته باشیم؟

معمولاً ترس یک حالت روحی و روانی است و یک عکس‌العمل عصبی در مقابل احساس خطر، احساس ضرر. وقتی انسان احساس ضرر و خطر می‌کند، می‌ترسد. در خدا نه خطر هست و نه ضرر که انسان احساس کند و بترسد. اما مولا (علیه السلام) می‌فرمایند: «لَا يَرْجُونَ أَحَدَكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخَافُونَ إِلَّا ذَنْبَهُ»^۱ هیچ‌کسی از شما امید نداشته باشد مگر به خدا و نترسد مگر از گناه خودش. گناه ترس دارد، خدا ترس ندارد و آن چیزی که در قرآن به ما اعلام شده، ترس از خدا نیست، ترس از مقام رب است: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَآمَنَ مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ»^۲ از مقام خدا می‌ترسد.

در سوره مبارکه الرحمن، خدا می‌فرماید: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ»^۳ کسی که از مقام پروردگارش بترسد. خدا ترس ندارد، مقام خدا ترس دارد. مقام خدا چیست که ترس دارد؟ مقام خدا این است که «أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ التَّكَالِ وَ الثَّقَمَةِ»^۴ آنجایی که خدا

خطبه اول



الحمد لله المتفرد بالكبرياء و أشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد أن محمداً رحمة للواء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين علي ابن أبي طالب و أولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى...
همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

خشیت قرآنی، ترس از مقام پروردگار

جمعه اول ماه رجب، ماه عبادت، ماه مناجات، ماه تضرع و زاری به درگاه ذات مقدس پروردگار است. دلدادگی به خدا در مقام عبادت و مناجات، لازمه عبودیت ما در درگاه ذات مقدس حق است؛ اما چرا تضرع و زاری؟ تضرع برای چه؟ تضرع در مقابل ترس و خوف. ترسی که از خدا داریم باعث بشود در مقابل خدا در عرصه مناجات و دلدادگی مان تضرع و زاری داشته باشیم.

خب این مسئله مطرح است: مگر خدا ترس دارد؟ خدای ارحم الراحمین، خدای مهربان، خدایی که ما را از هیچ خلق کرده، این همه نعمت‌ها را برای دوام وجود و هستی ما در اختیار ما گذاشته است، مگر ترس دارد؟ مگر کسی از پدر خودش می‌ترسد؟ از مادر خودش



مزاج انسان در برابر شهوت و میولات نفسانی مثل آتش است. هرچه اجرائیات و ارضائیات شهوت و غریزه جنسی و لذا لذت نفسانی را برای خودت فراهم کنی، این آتش شعله‌ورتر می‌شود. اول دنبال حلالش است، بعد که شعله‌ور شد، کم‌کم دنبال مکروهش است، بعد که شعله‌ورتر شد، دیگر از گناه هم وحشت نمی‌کند. افتاد در خط گناه و تو خط معصیت خدا می‌رود تا به نقطه طغیان و رویارویی با خدا برسد و آنجاست که با خدایی مقابل است که این خدا «أَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ الثَّقَمَةِ» است.

کنترل نگاه، نمونه‌ای از مجاهده با نفس

وجود مقدس امام باقر (علیه السلام) در حدیثی فرموده‌اند: «الْجَنَّةُ مُحَقَّقَةٌ بِالْمَكَارِهِ، فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمَكَارِهِ فِي الدُّنْيَا دَخَلَ الْجَنَّةَ» شما بهشت می‌خواهید؟ بهشت یک مقدارش با ناخوشایندی‌ها، با سختی‌ها پیچیده و آمیخته است. خیلی جاها باید بگذری، از خیلی جاها باید صرف‌نظر کنی، از خیلی چیزها باید چشم‌پوشی، خیلی خواسته‌ها،

بخواهد از این بنده انتقام بگیرد و آنجایی که بخواهد این بنده را در مقابل اعمالش کیفر کند، همین خدای ارحم الراحمین و همین خدایی که از پدر و مادر مهربان‌تر، همین خدا می‌شود اشد المعاقبین. ذات مقدس پروردگار در مقابل نکال و نقت، آنجایی که بخواهد انتقام بگیرد، از هر عقوبت‌کاری، از هر شکنجه‌گری، از هر سرکوب‌کننده‌ای شدیدتر است. آنجا کجاست؟ آنجا جایی است که بنده طغیان کند.

برادران و خواهران، ترس در مقابل طغیان است. طغیان کردی، باید بترسی. چرا آدم مقابل خدا طغیان کند؟ آدمی که همه چیزش تحت قدرت خداست، آدمی که همه هستی‌اش از خداست، آدمی که منشأ وجودش ذات مقدس پروردگار است، چرا با این خدا بجنگد؟ چرا در برابر این خدا طغیان کند؟ هیچ جنایتکاری که در خط طغیان در مقابل خدا هست، از اول تصمیم طغیانگری و شورش بر خدا ندارد؛ حتی شیطان، شیطان با همه خباثت، با همه رذالت و دنائتش، نمی‌خواست با خدا بجنگد، ولی کشیده می‌شود به جنگ با خدا: یعنی وقتی انسان در عرصه زندگی در خط خوش‌گذرانی، شهوترانی، لذا لذت نفسانی افتاد. برادران، مزاج بشر در مقابل شهوت، مزاج آتش است. آتش را هرچه هیزم به آن بدهی، هرچقدر نفت به آن وصل کنی، این آتش شعله‌ورتر می‌شود.



اللَّذَاتِهَا وَالشَّهَوَاتِهَا، دَخِلُ النَّارَ»^۵ کسی که بخواهد لذا ید نفسانی را برای خودش تحصیل کند این به جهنم می‌رود. یعنی جهنم از اینجا درست می‌شود. این می‌شود طغیان، رویارویی در برابر ذات مقدس پروردگار.

برادران، اگر در این لحظه عمر، بنا شد به حساب من برسند، همه زندگی‌ام در مقابل حساب پروردگار، آیا من از آنانی هستم که با اشد المعاقبین بودن خدا مقابل و روبرو هستم یا ارحم الراحمین بودن خدا؟ جمعه اول ماه رجب، این محاسبه را بین خودتان و خدا داشته باشید. برای انجام وظیفه الهی رو به قبله نشسته‌اید، دلتان به طرف خداست. این محاسبه را با ذات مقدس پروردگار داشته باشید. الان در چه وضعی هستید؟

آقای عابد زاهدی بود به نام ابن السّمّه. پنجاه سال عمرش بود. یک روز نشست فکر کرد. در زندگی‌اش هرچه فکر کرد یادش نیامد یک گناه کبیره در همه عمرش انجام داده باشد. یک بار هم گناه کبیره نکرده بود. اما گناه‌های صغیره بوده، لغزش‌ها بوده، اشتباهات بوده. با خودش حساب کرد: اگر در عمرم هر روزی یک گناه صغیره کرده باشم، الان در پرونده من ۱۲۵۰۰ گناه صغیره است. من با ۱۲۵۰۰ گناه صغیره چطور می‌توانم خدا را ملاقات کنم؟ چطور می‌توانم به طرف خدا بروم آن لحظه‌ای که چشمانم را روی هم ببندم مرا قبض روح کنند، مأمورین

خیلی گرایش‌ها، خیلی میل‌ها را باید زیر پایت بگذاری. خوب سخت است دیگر. یک آقا پسر جوان در بوران شهوت و غریز جنسی، در مقابل یک زن یا یک دختر بی‌حجاب قرار گرفته خب مزاج اقتضا می‌کند از دیدن چشم و ابرو، از دیدن زلف پریشان، از دیدن گل صورت لذت ببرد، کیف کند، استمتاع جنسی کند؛ اما خدا نمی‌خواهد، او گفته نکن: او گفته من از این کار خوشم نمی‌آید. چون او نمی‌خواهد؛ لذا به زمین نگاه می‌کند به اندازه تمام زمین‌ها، خدا به او اجر می‌دهد. خدا نمی‌خواهد به آسمان نگاه می‌کند به اندازه آسمان‌ها، خدا به او اجر می‌دهد. چون خدا نمی‌خواهد چشم‌هایش را روی هم می‌گذارد به این زن و دختر نامحرم نگاه نمی‌کند به اندازه تمام آسمان‌ها و زمین‌ها خدا به او اجر می‌دهد. این را به بهشت می‌برند چشم‌بستن سخت است، این ناخوشایند است؛ اما [کسب] بهشت به هم پیچیده شده و آمیخته با این ناخوشایندی است. بعد می‌فرماید: «وَجَهَنَّمَ مُحَقَّقَةٌ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ» اما [کسب] دوزخ آمیخته با لذت است، آمیخته با شهوات است. هرچه دلم می‌خواهد، هرچه می‌لیم می‌کشد، هرچه که مقتضای غریزه‌ام است، هرچه مقتضای لذت من است، دنبالش می‌روم از هیچ چیز هم باک ندارم. خوب آخرش: «فَمَنْ أَعْطَى نَفْسَهُ

می‌لغزم، گناه می‌کنم این قابل بخشش است. اما یک وقت نه، گناه به سراغم نیامده، من بنده برای لذایذ نفسانی‌ام، دنبال گناه دویدم، خودم دنبال معصیت دویدم، خودم رفتم گناه و نافرمانی تو خدا را کسب کردم. مقابل تو خدا، رویاروی تو پروردگار، من بنده مسکین بدبخت ایستادم!! «سُؤَالَ مُقْتَرِفِ مُذْنِبٍ» خب این گناه با من چه کرد؟ گناهی که دنبالش رفتم. خدایا، این گناه مرا بدبخت کرد، این گناه مرا هلاک کرد، از تو جدا کرد، بین تو معبود و معشوق ازلی من، جدایی انداخت «وَأَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ» بدبختی‌هایی که گناه برای من به وجود آورد. عیب‌هایی که گناه برای من ایجاد کرد، مثل غل‌وزنجیر، دست و پایم را بست، نمی‌گذارد هیچ حرکتی کنم. نمی‌گذارد به طرف تو بیایم. «فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُعُوبُهُ» در خطی افتاده‌ام که همه‌اش در آن گناه تو را انجام می‌دهم، معصیت تو را می‌کنم. هر قدمی برمی‌دارم، یک نافرمانی از تو هست. «وَمِنَ الرِّزَايَا خُطُوبُهُ»^۶ خدایا، تو مرا از این مصیبت‌زدگی گناه نجاتم بده. امام جواد (علیه السلام) و امام هادی (علیه السلام) را در خانه‌ات آورده‌ام، به این خاطر، خدایا به من رحم کن.

.....

۱. نهج البلاغه، حکمت ۸۲

۲. سوره مبارکه نازعات، ۴۰.

۳. سوره مبارکه الرحمن، ۴۶.

۴. مفاتیح‌الجنان، دعای افتتاح.

۵. الشافی صفحه ۵۱۱، اصول کافی، ج ۷۳/۲، ح ۷.



خدا بیایند و بپرسند چه کاره‌ای؟ ۱۲۵۰۰ گناه صغیره در مقابل خدا دارم. فکرکرد صیحه زد، از شدت وحشت روی زمین افتاد و جان داد. این ترس است. این ترس از این است که من با گناهم، خدا با من معامله کند و با این طغیانم، خدا به سراغ من بیاید.

برادران و خواهران، اول ماه رجب یا قبل از ماه رجب، دعا‌های هر روزه ماه رجب را مطالعه کنید، معانی‌اش را بفهمید. این حرف‌زدن با خداست. در این مضامین دعا‌های ماه رجب، یک مضمون خیلی جالبی است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْئُودِينَ فِي رَجَبٍ، مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَأَبْنِهِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ» در خانه خدا دو نور مقدس دلدادۀ علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را می‌بریم، امام جواد (علیه السلام) و امام هادی (علیه السلام) و با این دو چهرۀ موجّه درگاه خدا، با او حرف می‌زنیم. در یک عبارت از این دعا عرضه می‌داریم: «أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفِ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَ أَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُعُوبُهُ وَ مِنَ الرِّزَايَا خُطُوبُهُ» خدایا، من گدایم و گدایی می‌کنم، اما گدایی کسی که خودم رفتم دنبال گناه. من گناه را کسب کردم، مقترف مذنب.

یک وقت گناه به سراغ من می‌آید، من



خطبه دوم:

نهم و دهم دی نماد بصیرت و مقاومت ملت ایران

طراحی کرده بود. تنها طراحی فتنه نبود، طراحی اجرای فتنه از خود فتنه بسیار قوی‌تر بود. برنامه‌ای که برای تثبیت این فتنه در کشور ریخته بودند، که نهایتاً به سقوط نظام بینجامد، برنامه‌ای حساب‌شده بود. در مقابل این طراحی دشمن و فتنه‌انگیزی دشمن، آن‌که دشمن را ناکام گذاشت و در این حرکت پیچیده عظیمی که انجام داد، دشمن شکست خورد، بصیرت مردم بود؛ بصیرت اخذشده مردم از پیروی مقام ولایت و تبعیت از رهبری بود. این در حقیقت عاملی بود که فتنه دشمن را شکست داد. لذا آن روز نهم دی، روز بصیرت نامیده شد.

بصیرت، میوه‌اش در مقاومت به دست می‌آید. آنجایی که نتیجه مثبت بصیرت را انسان‌های آگاه و ملت هوشیار و بیدار می‌تواند بچیند، در عرصه مقاومت است.

همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. ایام مقارن است با سالروز مقاومت مردم و بصیرت مردم در فتنه ۸۸، نهم دی ماه سال ۱۳۸۸. همچنین مقارن است با دهم دی ماه، سالروز حماسه‌آفرینی مردم غیور مشهد و خراسان در مقابله با رژیم ناپاک ستمشاهی و آن همه شهدایی که در آن روز به ساحت مقدس امام زمان (عج)، تقدیم کردند؛ در مقابله با سرسخت‌ترین دشمنان خدا، نظام نابکار شیطانی ستمشاهی پهلوی. تقارن با این دو روز برای ما نکته‌ی آموزنده‌ای دارد.

نهم دی روزی است که دشمن عمیقاً

کار به جایی رسید ارتشی‌های شاه که مجهز به سلاح بودند، فرار کردند و میدان را خالی گذاشتند. مقاومت مردم به جایی رسید که مردم با دست‌خالی و سینه خشک بودند و آن‌ها مسلح بودند، ولی با تمام مسلح بودن، آخرش آن‌ها عاجز شدند، فرار کردند و رفتند. راهپیمایی و مبارزه مردم با مقاومت ادامه پیدا کرد. دهم دی یک نمایشگاه بسیار برجسته‌ای در تاریخ این انقلاب و در تاریخ این نظام است؛ نمایشگاهی از بصیرت مردم، از پایداری مردم، از ایستادگی و جان‌فشانی مردم به خاطر دین و به خاطر ولایت. این شد یک نمایشگاهی از مقاومت در کنار بصیرت.

مقام معظم رهبری دامه‌السلامه فرمودند: «دو عنصر مهم برای مواجهه با دشمنی‌ها لازم است که بنده همیشه توصیه کرده‌ام و باز هم توصیه می‌کنم. دو خصوصیت در آحاد مردم لازم است: یکی عبارت است از بصیرت و دومی عبارت از صبر و استقامت. اگر چنانچه این دو عنصر وجود داشت، دشمن هیچ کاری نمی‌تواند بکند، هیچ لطمه‌ای نمی‌تواند بزند، هیچ توفیقی در مواجهه و مقابله با نظام اسلامی به دست نمی‌آورد. بصیرت و صبر؛ این همان است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ

سالروز دهم دی، مقاومتی که عزیزان ما در مقابل نظام ستمشاهی در این شهر بصیرتی قوی بود. در راهپیمایی روز دهم دی که راهپیمایی عمومی و همگانی بسیار پرجمعیت و متکثری در کشور بر ضد رژیم ناکارانه ستمشاهی شروع شد، اکثر مردم شرکت کردند. دستگاه نابکار حکومت ستمشاهی به این نتیجه رسیده بود که در آن روز مردم به‌پاخاسته را در قتل‌عام و سرکوب شدیدی قرار دهد که برای همیشه این حرکت در این شهر متوقف شود.

جلادان نظام ستمشاهی به صف راهپیمایی حمله کردند. آن هم نه حمله تنها؛ از این طرف مردم با سینه‌خشک و دست‌خالی بودند و از آن طرف، حمله با مسلسل و سلاح‌های مرگبار. تنها به سلاح‌های مرگبار اکتفا نکردند؛ جلادان شاه با تانک‌ها روی مردم آمدند. عده‌ای از مرد و زن در زیر زنجیر تانک‌های جلادان شاهی جان دادند و به شهادت رسیدند. انواع سرکوبی را آن روز انجام دادند، ولی در عین حال مردم با همه قدرت مقاوم ایستادند. همان روز مردم مقاومت کردند؛ یعنی در مقابل این تهاجم صحنه را خالی نکردند، جمعیت کنار نرفت، صف راهپیمایی خلوت نشد، ادامه دادند. مشت‌های گره‌کرده‌شان را در مقابل جلادان ناپاک مسلح شاهی ادامه دادند.



وَ الْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ» که این در خطبه‌ی ۱۷۳ نهج البلاغه است.» ۱

فرمودند: «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ»؛ این پرچم را بر نمی‌دارد. کدام پرچم؟ آن پرچمی که باید بلند شود، زمینه‌ساز فرج مولا باشد و در اهتزاز باشد. مردم پرچم را نگذارند پایین بیاید، ولو دست‌ها قطع شود، ولو انسان‌ها کشته شوند، عزیزان پاره‌پاره شوند، پرچم را بالا نگه بدارند. تا کی؟ تا وقتی که این پرچم به دست وجود اقدس مولا حضرت بقیه الله علیه السلام برسد.

مولا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: این پرچم را حمل نمی‌کنند مگر اهل بصر و اهل صبر؛ کسانی که دو خصوصیت را دارند: هم بصیرت دارند، هم مقاومت دارند. دشمن را می‌شناسند، فتنه دشمن را می‌دانند، خرابکاری دشمن را خبر دارند، از تهاجم دشمن با خبرند و این‌ها در حقیقت می‌توانند این پرچم را بلند کنند. لذا بایستی توجه کنیم.

آنچه باعث پیدایش فتنه ۸۸ شد، طراحی دشمن در سه مرحله بود. دشمن خیلی حساب‌شده طراحی کرد: خود فتنه را طراحی کرد به اسم تقلب در انتخابات، یک عده را راه انداخت. اجرای فتنه را هم طراحی کرد که به اسم تقلب در انتخابات، چه کسانی در مملکت راه بیفتند. یک عده مزدور داخلی داشت که آن‌ها باید افراد

را راه می‌انداختند. آن‌ها چه کسانی را راه بیندازند؟ آن‌ها بگردند افرادی که با نظام مسئله دارند را شناسایی کنند، این‌ها را راه بیندازند. از یک طرف جوان‌هایی که ایده‌شان لذا یذ نفسانی، خوش‌گذرانی و عیاشی است. اگر این‌ها به راه بیفتند، در میدان مقابله با نظام، یک میدانی برای اجرای تمایلات نفسانی و غرایز، برای اختلاط با دخترها پیدا می‌کنند که از این طریق حاضرند در میدان بیایند و آماده شوند. این زمینه را هم برای اینها آماده کنند.

مرحله سوم اجرا: چکار کنیم بعضی مسئولینی که ممکن است اگر بیایند در عرصه، مانع اجرای فتنه شوند، آنها را قانع کنیم و آنها را مراقب باشیم. برای هر کدام چند نفر را انتخاب کردند. دور این مسئولین بی‌بصیرت را بگیرند، بگویند آقا در انتخابات تقلب شده، امر را بر این‌ها مشتبه کنند. وقتی که امر را مشتبه کردند، این‌ها دیگر در مقابل فتنه مقاومت نکنند و بلکه همراهی کنند. این هم راه سوم بود که دشمن انتخاب کرده بود.

ببینید کار تا کجا پیش رفته بود: یکی از بزرگان، به رحمت خدا رفت، در همان روزها، چهارراه ولیعصر تهران، اتومبیلش را عده‌ای محاصره کردند، شیشه‌های اتومبیل را شکستند. به هر حال ایشان نجات پیدا کرد. بعد که آمد به بعضی از



بودند با اخلاص، با ایمان، آگاه. چشمشان را به یک نقطه دوختند: آن هم پشت پای مقام رهبری و امامت مسلمین که او کجا می‌رود، او چه می‌گوید، او چه حرف می‌زند. برایشان بصیرتی به وجود آورد که در برابر همه طراحی‌های دشمن، در روز نهم دی آن حرکت‌های میلیونی را مردم با بصیرت انجام دادند و به دنیا نشان دادند. بصیرت در شعاع ولایت برای ملت چه می‌کند.

ضرورت هوشیاری مسئولین

ما امروز هم همین مسئله را احساس می‌کنیم. برادران! دشمن نمرده، از دشمنی‌اش هم دست برنداشته است. دشمنی‌اش هم بعد از شکست‌ها به مراتب بیشتر شده است. امروز دشمن دشمن خیلی علنی‌تر و واضح‌تر از سال ۸۸ است. وضعیتی که ما امروز دچارش هستیم در جریان فرهنگی و در جریان اقتصادی کدام آدم است که باور نکند که آقا این قصه پشت‌پرده دارد؟ عوامل نفوذی پشت‌پرده این هستند. بحث گرانی، بحث روزافزونی قیمت‌ها نیست؛ بحث ساعتی است؛ صبح یک قیمت است، ظهر یک قیمت. این پشت‌پرده دارد. عوامل پشت‌پرده کار می‌کنند. اگر واقعاً خدای ناکرده امروز هم سرنوشت ما به جایی رسیده باشد که دشمن در تجربه فتنه ۸۸ بیاید

افراد گفته بود که اینها ریختند و شیشه اتومبیل مرا شکستند، اینها کی بودند. به ایشان گفتند: «آقا، این‌ها بچه‌بسیجی بودند؛ چون آفتاب توی ماشین شما تابیده بود، عمامه سفید شما را دیدند، شما را با کروب‌ی اشتباه گرفتند و این‌ها ریختند ماشین شما را شکستند.» این آقا هم خیلی ناراحت شد. آن زمان که بنده رفتم تهران، بنده را دید گفت: «آقا، تو که با اینها آشنایی، اینها ریختند روی ماشین من، می‌گویند بچه‌بسیجی‌ها شیشه ماشین من را شکسته‌اند.» رفته بود خدمت آقا، به آقا عرض کرده بود: «آقا می‌گویند بچه بسیجی‌ها شیشه‌های ماشین مرا شکستند.» آقا به یکی از مسئولین امنیتی دستور داده بود که پیگیری کنید چه کسی شکسته است. دادستان تهران خودش به من گفت: «من توی اتومبیل پشت ماشین این آقا بودم، آن‌هایی که آمدند شیشه‌های ماشین را شکستند، این بندهای سبز به دستشان بسته بود، اغتشاشگر بودند، بچه بسیجی نبودند.» یعنی اینطور ذهن این آقا را منحرف کردند؛ لذا آنچه خطر عمده بود، بی‌بصیرتی مسئولین در آن زمان بود.

در آن روز این مسئله باعث شد که متأسفانه فتنه تا اندازه‌ای توسعه پیدا کند. اما مردم چگونه بودند؟ مردمی



در وسط همه این قضایا با اسرائیل بجنگد، با آمریکا بجنگد، داخل را درست کند.

برادران و خواهران، بصیرت شما همه مشکلات را حل می‌کند؛ منتها بصیرتی که با مقاومت آمیخته باشد: هم بصیرت، هم مقاومت. همه مشکلات حل می‌کند. جریان نه دی و فتنه ۸۸ نشان داد بصیرت شما چه کرد. جریان ده دی نشان داد مقاومت شما مشهودی‌ها چه کرد. پس این بصیرت و مقاومت با هم اگر آمیخته شد، همه مشکلات برطرف می‌شود. امیدواریم که بصیرت شما با یک مقاومتی آمیخته شود و مشکلات را حل کند.

خدایا، حجت امام زمانت در این کشور به ما این نوید را دارد می‌دهد، که ما در حال پیشرفتیم، ما در حال صعود به قله هستیم، ما داریم بالا می‌رویم با همه گرفتاری‌ها و با همه سختی‌ها، پروردگارا، با عنایات و برکات خاصه خودت، هرچه زودتر مصداق و تحقق این وعده حجت امام زمان را برای مرد و زن ما روشن و مبرهن بفرما؛

سایه پربرکت مقام معظم رهبری بر سر ما مستدام بدار؛

.....



کنار مسئولین، عواملی را بکارد که چشم این‌ها را ببندد و نگذارد این‌ها وضع مردم را ببینند و نگذارد وضع کشور را ببینند، بی‌تفاوت در مقابل مسائل مردم بایستند، امروز هم ما همان بلا و همان مصیبت را خواهیم داشت. یعنی امروز هم ما دچار مشکل می‌شویم.

امروز همه تشخیص می‌دهند پشت پرده قصه است والا معنا ندارد که ارز صبح یک قیمت دارد، ظهر یک قیمت دیگر دارد والا با هیچ ملاکی درست در نمی‌آید، با هیچ معیاری قابل سنجش نیست و این وضع به سر آمده و در عین حال عزیزان مسئول ما فقط تماشاچی بایستند، یک نگاه کنند که چه چیزی دارد به سر مردم می‌آید. این همان بلای خواص بی‌بصیرتی که شما می‌گویید «مرگ بر خواص بی‌بصیرت»، همان بلا الان هم به سر ما می‌آید. همین الان هم دچار خواص بی‌بصیرت می‌شویم. رهبری چه کند؛ یعنی پسر پیغمبر مظلوم،